

نهضت‌های ملی ایران

(۱۰۷)

فرمانروایی سلجوقیان یادوره تعصب شدید سنی گری

در فصل‌های پیش مجموعه‌ای از سرگذشت ظهور و سقوط سلسله‌های عدیده کم‌عمر و بی دوامی که ولایات مختلف قلمرو خلافت فرسوده عباسی را گرفته و بعد بیشتر در نتیجه منازعات داخلی تجزیه شده و از بین رفتند بیان گردید.

وای ظهوریک دولت جدید یعنی ترکان سلجوقی يك دوره مهم و قابل ملاحظه‌ای را در تاریخ خاورمیانه و نزدیک تشکیل داده است. سلجوقیان نخست سلسله‌های بی اهمیت و ناقابل مختلف‌ی که در ولایات مستقر بودند همه را برانداختند و ممالک اسلامی را بار دیگر تحت حکومت مقتدر واحدی در آوردند که دامنه آن از ترکستان تا دریای مدیترانه وسعت داشت.

اصل و منشاء سلجوقیان

سلجوقیان شعبه‌ای از ترکان غزولیکن متمایز از آنها بودند، موسس این خاندان شخصی بود موسوم به تقاق به معنی کمان که پدر سلجوق (سلجوک) و دو

با ایل خود از ترکستان گذشته داخل ماوراءالنهر گردید و در آنجا با حرارت و جوشی خاص قبول اسلام نمود. اولاد و اعقاب او بعد از خودش در محاربات و جنگ‌های آن زمان سهم گرفته و زود با سلطان محمود غزنوی تصادم پیدا کردند اسرائیل پسر سلجوق در بیشتر جنگ‌ها به سلطان محمود مدد میفرستاد نوشته‌اند که آن فاتح بزرگ (سلطان محمود) روزی از اسرائیل پسر سلجوق پرسید که در هنگام ضرورت چقدر نیرو می‌تواند در میدان جنگ حاضر سازد، این رئیس چادر نشین جواب داد که اگر او تیری بطرف خیامش روانه کند یکصد هزار تن برای نبرد حاضر و آماده میگردند، لیکن اگر کمان او دیده شود دو بیست هزار تن به نیروی مذکور ملحق میگردند. سلطان محمود که از این نیروی شگرف مضطرب شده بود اسرائیل را در بند کرد و شاید خیال میکرد که در صورت تخته‌قاپو کردن و انتقام ایل مزبور بجای دیگر از قریه آنها کاسته خواهد شد بنابراین آنان را از محل خود کوچانید و در ناحیه نيسابور ابيورد مسکن داد.

این واردان جدید تحت فرمان رئیس جدید خود میکائیل (برادر اسرائیل) سر به طایان و عصیان برداشتند و در سال پیش از مرگ محمود و یاهم زمان با آن خراسان را مورد تهاجم و تاخت و تاز قرار دادند ولی به عقب رانده شدند.

تاسیس دولت سلجوقی

میکائیل برادر اسرائیل و فرزند سلجوق و (سلجوق) دو فرزند داشت یکی معروف به طغرل بیک (یا قوش) و دیگری معروف به چغری بیک. سلطان مسعود غزنوی در موقع جنگ باغزها از این دو برادر که سپاه عظیمی تحت فرماندهی داشتند استمداد نمود. و آنان نیز به سلطان مسعود کمک و یاری کردند و غزها را از خاک خراسان بیرون راندند. ولی اینان باران وفادار خوبی نبودند، زیرا که

درست در سال بعد، پس از حرکت سلطان مسعود چغری بیک در نزدیک مرو به سردار غزنوی حمله برده و او را شکست داد. در سال ۴۲۹ هجری طغرل نیشابور گرفت و بدین طریق خراسان به تصرف او درآمد برخی از محققان تاریخ تاسیس این سلسله را از همین تاریخ دانسته‌اند.

سلطان مسعود غزنوی نظر به اغتشاشاتی که در هند برپا بود نمیتوانست توجه خود را درست بدفع مهاجمان مذکور معطوف دارد.

لیکن سرانجام ناگزیر شد در سال ۴۳۱ هجری بمنظور پیکار و جنگ با دولت تازه تاسیس سلجوقیان به خراسان مراجعت کند، ولی پس از مقابله با آنان بطور خیلی بدی شکست خورد و برای جمع آوری سپاه و مقابله مجدد به هندوستان بازگشت. همانطور که در ورقه‌های پیش در این تالیف نوشته شد در آنجا لشگریانش بر ضدوی شورش کرده و در نتیجه او را از سلطنت خلع و بعد به قتلش رسانیدند. خلع سلطان مسعود از سلطنت و قتل وی (۴۳۲ هجری) و پهریشانی و نابسامانی‌هایی که در اثر آن در غر نه روی داد. قدرت سلجوقیان را بیشتر و ثابت تر ساخت. چنانکه سال بعد طبرستان را نیز تسخیر کردند و سه سال بعد مود و دین مسعود را در خراسان شکست دادند و نامه‌ای به خلیفه عباسی القائم بامراله نوشته و در آن از خاندان غزنوی شکوه بسیار کرده و وفاداری خویش را نسبت به دربار خلافت عباسیان اعلام داشتند.

اقدامات نظامی و سیاسی طغرل سلجوقی

طغرل بیک پس از رفع تهدید غزنویان با نظم و ترتیب کامل پیشروی کرد، نخست گریان را که از لحاظ داخلی متشنج بود تصرف کرد. و مرداویچ بن بشو (بشو) هم پیمان خود را در کنار انوشیروان بن منوچهر به فرمانروایی آسمان منصوب

کرد و قرار شد هر دو در صورت پرداخت صد هزار دینار و یا بنا به قولی پنجاه هزار دینار خراج سالیانه و به شرط ذکر نام پادشاه سلجوقی در خطبه مشترکاً در آنجا حکومت کنند. (۱)

متعاقب این امور طغرل در اوضاع خوارزم مداخله کرد تا وضع خود را برای پیشروی تامین کند. فرما روای چندر شاه ملک که از طرف غزنویان در آنجا منصوب شده بود، با اموال و ذخائر خویش تا مکران گریخت. اما بعد به دست یکی از شاهزادگان سلجوقی اسیر گردید و در اختیار داود برادر طغرل بیک گذاشته شد.

در این هنگام راهی که در امتداد جاده تجارته قدیم (یعنی جاده ابریشم) آسیا را به سوی غرب ربط میداد و ابتدا بجاناب ری میرفت آزاد شده بود. از همین راه نیز عموی طغرل بیک یعنی ابراهیم بنال که بیهوده میکوشید تا در همدان بر ضد ابوکالیجار، گرشاسب پسر علاءالدوله خود را مستقر سازد به استقبال طغرل بیک آمد.

طغرل بیک به اتفاق برادرش ری را تصرف کرد و از آنجا غنائم بسیار بچنگ آورد و اطاعت قزوین را بشرط پرداخت هشتاد هزار دینار پذیرفت، و چند تن از رهبران مستقل غزرا به عقد قرارداد مجبور کرد و فرمانروای دیلم و همچنین سردار طارم را به اطاعت خویش در آورد و سرانجام گرشاسب را به تخلیه همدان و به قبول حکومت ری ناگزیر ساخت.

گرشاسب در اینجا بدون اینکه سپاهی مخصوص به خود داشته باشد، بطور مستقیم تحت نظر سلجوقیان قرار داشت و از این جهت دیگر خطری از

جانب او متصور نبود (۱) در این میان ابراهیم ینال سیستان را مسخر ساخت و به کرمان که در تصرف ابو کالیجار بویهی بود حمله کرد. (۲)

ولی حمله ینال از طرف دیلمیان مقیم آنجا که اندکی قبل از آن ۴۳۳ هجری) نیز از این محل عمان و عربستان را بتصرف در آورده بودند دفع شد (۳) با وقوع این حادثه برای نخستین بار تصادمی مستقیم میان آل بویه (دیلمیان) و سلجوقیان بوقوع پیوست، ولی چون ابو کالیجار بویهی در اثر قبول میراث عموی پراز دشمن خویش جلال الدوله در بین النهرین و به سبب کشمکش با فرامرز در اصفهان، آنچنان مشغول بود، که نمی توانست بطور جدی درباره دفع مهاجمان ترك بیندیشد، زبان بسیاری به خاندان وی وارد آمد و به نیستی گرایید.

همانطوریکه سلسله های دیگر هم که در شرایط و اوضاع مشابه ایشان بودند خطرات تهدید کننده قشون منظم و پیش رو صحرائشینان را جدی تلقی نمی کردند به نیستی گراییدند. بدین طریق راه تصرف مجدد همدان که در آنجا گرشاسب دوباره برای مدت کوتاهی حکومت خود را تثبیت کرده بود، برای ابراهیم ینال گشوده گشت، و گرشاسب ناچار به کردهای جوزقان پناهنده شد. همین امر سبب شد که توجه سلجوقیان به کردها معطوف گردد، اگرچه حمله باین کردان تا وقتی که در منطقه کوهستانی خود بودند مشکل بود، ولی کردان در اثر جنگهای گذشته ابوالشوک حسام الدوله فارس فرمانروای قرمیسین (کرمانشاه) با برادرش

۱- العراضه فی حکایات السلجوقیه صفحه ۲۹۶ راحه الصدور اوندی صفحه ۱۰۴ و کامل

این اثر جلد نهم صفحه ۱۷۵ بیعد.

۲- بنابر قول منابع دیگر حمله مذکور توسط سرداری دیگر صورت گرفته است.

۳- کامل این اثر جلد نهم صفحه ۱۷۶

ابوالعاجد مهلهل بر سر خلنگان (خان لنجان) در ذی‌قعدة سال ۴۳۰ هجری و شهرزور و همچنین بر اثر جنگ‌هایی با علاءالدوله ۴۳۲ هجری) بسیار ضعیف شده بودند. از این رو سلجوقیان توانستند بدون زحمت زیادی دینور را تسخیر کرده و ابوالشوک را از قرمیسین (کرمانشاه) به حلوان برانند و مقرر حکومتش را که خود او تخلیه کرده بود، ولی دیلمیان و کردهای باقیمانده در آنجا از آن دفاع می‌کردند پس از محاصره طولانی مسخر کردند (رجب سال ۴۳۷ هجری) و ماه‌های بعد صیمره را نیز به تصرف در آوردند پس از آنکه حلوان از طرف اهالی آنجا تخلیه شده و بدست ابراهیم افتاد. قسمتی از قشون غزتا خان‌تقین یعنی داخل بین‌النهرین پیشروی کردند، ابوکالیجار بویهی تصمیم بدفاع گرفت. هرچند فرامرز در اصفهان دوباره به اطاعت ابوکالیجار درآمده بود و از طرفی وی در خوزستان قدرت مساعدی بدست آورده بود و برادران کرد متخاصم یعنی ابوالشوک و مهلهل با یکدیگر آشتی کرده بودند با این‌همه به هیچ وجه حمله قطعی به دشمن صورت نگرفت، بلکه تنها منطقه کوهستانی کردها از دست غزها آزادگشت این سستی بخصوص بعدها که پس از مرگ ابوالشوک (۳۰ ارمضان ۴۳۷ هجری) کشمکش بر سر میراث او میان برادرش مهلهل که با همسر ابوالشوک ازدواج کرده بود و پسرش سعد ابر پاکشت به تسخیر مجدد کرمانشاه و دینور به نفع مهلهل منجر شد، شکفت انگیزتر بود. چه اینکه سعدا پس از این شکست فوری از ابراهیم بنال کمک خواست (ربیع‌الاول سال ۴۳۸ هجری) (۱)

غزها نیز بعنوان طرفداران وی در این کشمکش شرکت نموده و از او

حمایت کردند. ولی با این وصف مهلهل و برادرش سرخاب در جنگ بر سر حلوان و جلگه ماهدشت (واقع در جنوب شرقی حلوان) سرانجام بر سعداویاران غزوی غلبه کردند نهایت اینکه این موفقیت در اثر طغیان طوایف کرد و لر بر ضد سرخاب دوباره بی اثر شد زیرا سعدا در نتیجه طغیان مزبور آزاد گردید. در حالیکه عموی او سرخاب در اسارت سلجوقیان مانده اما از طرف دیگر هنگامیکه اصفهان تحت فرمانروائی فرامرز در حال محاصره پایداری میکرد ابراهیم ینال توانست پس از عقد قرارداد صلح با ابوکالیجار که در نتیجه از دست دادن ۱۲ هزار اسب در اصفهان کاملاً ضعیف شده بود (ربیع الثانی سال ۴۳۹ هجری) قلعه کنگور (کنکور) را که در آن ساخوی گرشاسب (امیر همدان) بود تصرف کند (جمادی الاخری سال ۴۳۹ هجری) علاوه بر این ابراهیم موفق شد پس از جنگهای طولانی و سختی قلعه‌های بسیاری از کردستان را تصاحب نموده و سرخاب و سعدارا به فرار بسمت بین‌النهرین مجبور سازد. در حالیکه مهلهل باز به زودی توانست حکومت خود را در شهر زور مستقر سازد. (۴۴۰ هجری) بدین ترتیب سرانجام پیشروی کوتاه غزها تا نزدیک بغداد به خلیفه عباسی و سیروران بویهی او اهمیت موضوع وجدی بودن وضع را با وجود قراردادی که مدت کمی قبل از این وقایع منعقد ساخته بودند نشان داد. مرگ ابوکالیجار بویهی در چهل سالگی (چهارم جمادی الاولی سال ۴۴۰ هجری) هنگام اردو کشی در شهر جداب در کرمان کار سلجوقیان را آسان نمود، یعنی به زودی جنگ برادر کشی میان پسران وی ابومنصور بولادستون (فولادستون) و ابونصر خسرو پیروز الملک الرحیم وارث بین‌النهرین به پاگشت، این جنگها باعث شد که فارس و بخصوص پایتخت آن شیراز و همچنین اهواز و رامهرمز از سال ۴۴۰ تا سال

۴۴۳ مکرر دست بدست بگردد، بدیهی است که اختلافات و تضادهای بسیار میان ترکان فارسی و بغدادی و همچنین میان ترکان و دیلمیان در این باره تأثیر به سزائی داشته است (۱) تا اینکه سرانجام پولادستون از اصطخر طغرل بیک سلجوقی را به مدد طلبید. طغرل نیز در این بین با ابراهیم ینال اختلاف پیدا کرد و فرماندهی این ناحیه را از او گرفت، و سپس بعد از محاصره یکساله اصفهان را تسخیر کرد، و فرمانده آنجا ابو منصور فرامرز بن علاءالدوله رادریزدمتوطن ساخت و در همان موقع برادرزاده وی آلب ارسلان بن داود سرانجام توانست فسا (پسا) و فارس را به تصرف درآورد (جمادی الاولی سال ۴۴۲ هجری) بدین ترتیب سپاه سلجوقی به جنوب غربی شیراز رسید.

در صورتیکه وضع بویه‌یان چنین بود که: در میان دسته‌های سپاه‌الملک الرحیم (بخصوص ترکان) بطور عمومی جنبشی مبنی بر تفرقه وجدائی دیده‌میشد. فقط دیلمیانی که در اهواز بودند وعده‌ای از ترک‌های بغداد که بانترک‌های دیگر دشمنی داشتند، به فرمانروای بویهی وفادار مانده بودند، تا اینکه‌الملک الرحیم سرانجام در آخر ربیع الثانی سال ۴۳۳ هجری در حوالی اهواز از اقلابیون شکست خورد و به واسطه عقب نشینی کرد از طرف دیگر گرشاسب بعنوان نماینده فولادستون حکومت اهواز را بدست گرفت، اما به زودی در گذشت (۴۴۳ هجری) هرچند در این بین دوباره‌الملک الرحیم موفق شد که حکومت خود را در بین‌النهرین مستقر ساخته، بصره را تسخیر و سعد راناکزیر به اطاعت کند و اصگان (ارجان) را در جمادی الاولی سال ۴۴۵ هجری تصرف کند. ولی در

عین حال شیراز موقتا در دست ابومنصور فولادستون که دستور خواندن خطبه بنام طغرل بیک سلجوقی داده بود باقی ماند.

با این وصف طغرل نتوانست از تصرف مجدد شیراز بدست الملك الرحيم (محرم سال ۴۴۷ هجری) که آنجا را مدت مدیدی محاصره کرده بود جلوگیری کند. زیرا اعزام دسته‌ای از لشکر فرمانروای سلجوقی به ارض روم و کرس و دسته دیگر به خراسان جهت مقابله بایکی از حملات غزنویان و از همه مهمتر اعزام سپاهی تحت فرماندهی خود بمنظور مطیع ساختن آذربایجان و لشگرکشی به ارمنستان و محاصره بیهوده ملازگرد (منازگرد) که از طرف بیزانس از آن دفاع میشد و همچنین پیشروی بسوی مصب رود (چرخ) در دریای سیاه‌چنان‌او را سرگرم کرده بود که دیگر نمیتوانست در اوضاع جنوب ایران دخالت کند. (۲)

ولی در عوض اردوکشی در قفقاز قطعیت وضع طغرل را تعیین نمود. زیرا در آن هنگام که دولت آل بویه با وجود تمام کشمکشهای خانوادگی هنوز آن اندازه قدرت داشت که از پیشروی سلجوقیان بسوی جنوب جلوگیری کند، فرمانروای تبریز یعنی ابومنصور و هسودان بن محمد رودی و امیر دیار بکر و سرانجام فرمانروای تکریت در کنار دجله به اطاعت طغرل بیگ فاتح که فرستاده وی در دربار خلیفه عباسی بسیار دوستانه پذیرفته شده بود (۴۴۳ هجری در آمدند طغرل بیگ سرانجام توانست در ۲۵ رمضان سال ۴۴۷ هجری برخلاف جهت حمله آل بویه در صدوده سال پیش یعنی از طرف شمال وارد بغداد شود و خلیفه را از قید اطاعت فرمانروای کل بویهی شیعی مذهب نجات بخشد (۱) الملك

۲- کامل ابن اثیر جلد نهم صفحه ۹۸-۹۵

۱- العراضه فی حکایات الساجوقیه صفحه ۲۹۷

الرحیم به زودی اسیر شد. و در سال ۴۵۰ هجری در زندان ری درگذشت.
 پولادستون نیز سال ۴۴۸ هجری در زندان فضلویه طاعنی وفات یافت،
 و در نتیجه آخرین بقایای قدرت آل بویه برچیده شد. (۲)
 (بقیه در شماره آینده)

۲- تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی تالیف برتولد اشپولر ترجمه دکتر جواد
 فلاطوری صفحه ۳۳۳ - ۲۲۵

سبك ساده و بی تکلف سعدی را در غزل و بیان اطوار عشق به
 زبان متداول و جاری نیز سنائی آغاز کرده و بسط داده است .
 نهایت مثل هر آغازی صورت کمال و اتقان ندارد . سنائی غزل
 سراسعدی جوانی است که هنوز جزالت و پختگی را بعد کمال
 نرسانیده است و حسن تعبیر او یکدست و متوالی نیست . زبان زبان
 سعدی است ولی سعدی ای که هنوز بعد کمال و پختگی طبع و آن
 مقدرت را نیافته است که دو کلمه (احسن) و (ره) را در مطلع نیاورد
 تا این حشوم محسوس بچشم نخورد .

از کتاب (قلمرو سعدی)